

۲, ۴۲۸۹۳

به نام خدا

ویراستاری در مطبوعات

تألیف: حسین محبی

www.ketab.ir

سرشناسه: محبی، حسین، ۱۳۵۲ خرداد -

عنوان و نام پدیدآور: ویراستاری در مطبوعات / حسین محبی.

مشخصات نشر: تهران: علم و ورزش، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱ ج. (بدون شماره گذاری).

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: روزنامه نگاری -- ویراستاری

Journalism -- Editing: موضوع

موضوع: روزنامه نگاری -- شیوه نامه

Journalism -- Style manuals: موضوع

موضوع: ویراستاری

Editing: موضوع

رد بندي کنگره: ۱۳۹۷/م ۳ و ۹/ PN۴۷۷۸

رده بندي ديوبني: ۰۷۰/۴۱

شماره ثبت کتابخانه ملی: ۵۲۵۴۹۱۰



نام کتاب: ویراستاری در مطبوعات

مؤلف: حسین محبی

ناشر: انتشارات علم و ورزش

تیراژ: ۵۰۰ / نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۸

چاپ: قائم / قیمت: ۴۰ هزار تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۴۹-۱۰۰-۹

آدرس ناشر و مرکز پخش

تهران - میدان انقلاب - خیابان شهید منیری جاوید - کوچه توحید - پلاک ۱

تلفکس: ۶۶۹۶۶۶۹۷ / همراه: ۰۹۰۱۳۷۶۶۰۱۰

فهرست مندرجات

عنوان	صفحه
مقدمه	۵
فصل اول - ویراستاری در طبوعات	۱۵
فصل دوم - انواع ویرایش	۲۳
فصل سوم - قواعد نگارشی و راست‌چین	۲۹
فصل چهارم - کاربرد علائم	۳۹
فصل پنجم - املاي صحيح کلمات پر کاربرد	۵۵
فصل ششم - غلطهای مشهور املايی	۶۷

مقدمه

ویراستار چه می‌کند؟

متن یا خبر (= متن دست‌نویس)، پس از حروف‌نگاری (تایپ) و نمونه‌خوانی اولیه به دست ویراستار می‌رسد. ویراستار با توجه به آموزش‌هایی که دیده، متن را خوانده و آن را بر شیوه‌نامه‌ای که اختیار کرده تطبیق داده و یک‌دست می‌کند.

ویراستار یک خواننده‌ی حرفه‌ای است که هم متن را خوب می‌فهمد، هم زبان را و هم شیوه‌های پژوهش را. بسیار شنیده می‌شود که خواننده‌ی یک اثر می‌گویند: "زبان مولف را نمی‌فهمیم." ممکن است عدم تفاهم برآمده از نا آگاهی خواننده از موضوع باشد، ولی گاه این مشکل برآمده از نوع جمله‌پردازی نویسنده یا مترجم است. ممکن است نویسنده در علمی

دانشمند و توانمند باشد ولی همو نویسنده‌ی خوبی نباشد. یکی از وظایف ویراستار آن است که چون خواننده‌ای خوب و دقیق متن را بخواند، بفهمد و جمله‌های دیرپاب یا احیاناً نادرست را به جمله‌هایی روشن و درست تبدیل کند. در این منظر کار ویراستاران به کار منتقدان شبیه است.

ویراستار افزون بر داشتن آگاهی‌هایی درباره‌ی شیوه‌نامه‌اش باید زبانش را خوب بشناسد. این حساسیت ذهنی را داشته باشد تا در رویارویی با هرگونه تصرف تازه واکنش نشان داده، آن را بر نحو زبان تطبیق دهد. آشنایی با روح زبان دستور زبان در این بخش لازم به نظر می‌رسد. کاربردهای مکرر و نادرست زبان حساسیت گویش‌وران را نسبت به آن کاربرد نادرست کم کرده، محاسن می‌برد و پدیده‌ی "غلط مصطلح" رخ می‌دهد؛ یکی از وظایف ویراستار تبدیل این نادرست‌ها به درست است. این کاربردهای نادرست به ویژه در حیطه‌ی نحو آسیب‌هایی جدی به زبان زده، گاه تفهیم و تفاهم را که از مهم‌ترین وظایف زبان است، مختل می‌کند. از مهم‌ترین نکته‌های ویرایش

داشتن شیوه‌نامه‌ای مطالعه شده و درست، یک‌دست بودن تمام متن و انطباق آن با شیوه‌نامه. زبان پدیده‌ای زنده و لغزنده است و شاید دادن حکمی جزمی درباره‌ی آن درست نباشد ولی ویراستار موظف است، با

مطالعه در شیوه‌نامه‌های موجود مناسب‌ترین را برگزیده، با توجه به روح زبان تا جایی که ممکن است نوشته را یک‌دست کرده و بر شیوه‌نامه منطبق سازد. از دیگر سو ویراستار باید مخاطب اثر را نیز از نظر دور نداشته، نیازهای او را نیز تا جایی که در حیطه‌ی اختیارش است، برآورد.

اهمیت ویراستاری

ویرایش به معنی کم یا زیاد کردن، تصحیح کلمات، جملات، عبارات متنی، اصلاح اشتباهات علمی در حوزه تخصصی که ویراستاری انجام می‌شود، اصلاحات ظاهری مربوط به هم‌نویس، اصلاح علائم و نشانه‌گذاری‌های نگارشی یک متن است. ویراستاری متن به‌عنوان امری مهم در تمامی کشورهای جهان شناخته شده بصورتیکه اغلب ویراستاران جایگاهی هم‌تراز با نویسندگان یا مترجمان اثر دارند، اما متأسفانه در ایران هنوز این مهم چنانکه باید جایگاه خود را نیافته و اغلب ناشران، نویسندگان، مترجمان و مولفان یک اثر (خواه کتاب و جراید و خواه اثرات علمی و مقالات) از پذیرفتن فردی به نام ویراستار در کنار خود به دلایل گوناگون سر باز می‌زنند. هر نوشته می‌بایست از لحاظ زبانی و ساختاری، فنی و تخصصی مورد بررسی قرار گرفته، بازبینی و ویرایش شود. پس از نگارش هر متن توسط نویسنده یا ترجمه آن توسط مترجم، باید سفارش ویراستاری داده

شود تا متن را بر طبق تجربیات و دانش یک ویراستار حرفه ای پالایش شود. از آنجا که نویسنده و مترجم در هنگام نوشتن مطالب در زمینه تخصصی خود (کتاب، مقاله) نیاز به تمرکز بر روی کلیت محتوا دارند، طبیعی است که اشکالاتی چند در استفاده از علائم سجاوندی، دستور زبان، ساختار جملات و غیره رخ دهد. از طرفی، برای مثال، نوشتن مقالات عامی به رباعی غیر از زبان مادری نویسنده اثر کاری دشوار است و نیازمند آن است که فردی خبره که دانش بسیار بالایی از زبان مقصد را دارد، متن را بازخوانی کند و از اشکالات پالایش کند.

اهمیت ویرایش در متالاسی متون ترجمه شده از زبانی به زبان دیگر به اندازه نوشته های موجود به زبان مبدأ ویراستار، مهم و اساسی بوده و چه بسا هنگامی که مقالات به زبان دوم نوشته شده اند یا از زبان دوم به زبان فارسی ترجمه شده اند، به دلیل تفاوت ساختار جملات و نکات دستورزبانی، اهمیت حضور ویراستاری که اصطلاحات را برای هرچه روان تر شدن متن موجود به انجام رساند، دو چندان می شود.

جایگاه ویراستاران در هیأت تحریریه در روزنامه ها

اخباری که از کانال های مختلف دریافت می شود تا زمان چاپ روزنامه باید مراحل طی کند. گروه های تحریریه پس از تهیه مطالب اعم از مطالب

خبری و غیرخبری، آن را در اختیار میز ویراستاری قرار می‌دهند که پس از پالایش وارد حوزه سردبیری می‌شود. پس از تایید سردبیر، مطالب ویراستاری شده به حروف‌چینی و سپس صفحه‌آرایی ارسال می‌شوند. آنچه با عنوان "ویراستاری و مدیریت اخبار" مورد بحث است، دقیقاً مربوط به حوزه وظائف مدیر تحریریه یا سردبیر روزنامه است.

در هر سازمان تحریریه، ویراستار به عنوان سیاستگذار، کانال پالایش خبر، هماهنگ‌کننده فعالیت تحریریه، انطباق اخبار و مطالب با خط مشی روزنامه (یا هر وسیله ارتباط جمعی دیگر)، انتخاب‌کننده اخبار، اولویت‌گذاری خبر در صفحات، انتخاب‌کننده نهادهای عکس، طرح و کاریکاتور و اعمال مدیریت در تمامی سرویس‌ها و بخش‌های خبری و فنی، حساس‌ترین نقش را داراست. در بسیاری از تحریریه‌ها این نقش، مسئولیت به معاون سردبیر محول می‌شود، اما ناگفته نماند که ویراستار در سازمان تحریریه به عنوان دبیر سرویس یا در کنار معاون سردبیر به عنوان هیأتی (ویراستاران، انجام وظیفه می‌کند.

ویراستار، نمونه خوان نیست

حقیقتاً باید پذیرفت در ایران، ویراستار و ویرایش متون ادبی محلی از اعراب ندارد. در واقع این نگره ملهم از دو دیدگاه است. جایگاه ویرایش و

ویراستار چنانکه باید تعریف نشده است. در چنین شرایطی است که «نمونه‌خوان» حکم ویراستار پیدا می‌کند و می‌شود هر کسی را با داشتن حداقل سواد مطابقت متن اصلی و آنچه «تایپ» شده، ویراستار نامید. حال آنکه در کشورهای دیگر بدنه سترگ ادبیات را به هیچ روی با چنین اه‌نکاری‌هایی نحیف و رنجور نمی‌کنند. به دو نمونه در این زمینه اشاره می‌کنیم:

یکم) «جان هریر آپدایک» فقید، نویسنده سرشناس آمریکا که به واقع او را یکی از ممتازترین نویسندگان نیمه دوم قرن بیستم آن کشور می‌دانند، گفت‌وگوی مفصلی انجام داده بود با مجله معتبر «پاریس ریویو». این گفت‌وگوها در قالب مجمره «داستان» انجام شد که بسیاری از آنها توسط مژده دقیقی و اسدالله امری به فارسی برگردان شد. آپدایک در گفت‌وگوی خود، آنجا که پای زحمت و ایساستان به میان می‌آید چنین می‌گوید: «من داستان را می‌نویسم. همین. یعنی فقط من ساخت قالبی است که داستان در آن خلق می‌شود. اما از آن به بعد دیگر برعهده من نیست. می‌سپارمش به ویراستار. ویراستار کسی است که شما او را نمی‌شناسید و به اندازه نویسنده عکس او را نمی‌بینید. اما باید گفت او کسی است که از من نویسنده به ساختار داستان واردتر است و دانش

بسیطی در این زمینه دارد. اوست که تشخیص می‌دهد کجا باید حذف شود و چه جملاتی برازنده داستان نیست ...» آبدایک در ادامه این صحبت دست‌نوشته خود را به عکاس مجله نشان می‌دهد تا او بتواند عکس بگیرد و بدین باب جایگاه شامخ ویراستار را در اوجگیری‌هایش نشان دهد. از متنی که آبدایک نوشته - چنین تصور کنید که یک صفحه کاغذ سفید A4 پیش رویتان است - آن چند سطر باقی‌مانده و مابقی به پیشنهاد ویراستار خط خورده. آبدایک همین تجربه‌ای را در رمان دهکده - رمانی که توسط شیامالان کارگردان به فیلم همان نام تبدیل شد - داشت؛ ویراستار بیش از ۳۰ صفحه از داستان را حذف کرد. ای کاش این رمان به فارسی ترجمه می‌شد تا خواننده ایرانی ذهنیت بهتری نسبت به آن داشته باشد اما نگارنده، این فرصت را داشت که رمان را به زبان اصلی بخواند. حقیقتاً تصور اینکه اضافه شدن صفحات حذف شده به آن رمان می‌براست چه لطمه بزرگی به آن اثر بزند کار سختی نیست.

ویراستار، همانطور که آبدایک گفت، کسی است که از خود نویسنده داستان مسلط‌تر است و از این رو است که در کشوری مانند آمریکا بسیاری از کتاب‌های معروف را گاه به دلیل درج نام یک ویراستار معروف،

ذیل نام نویسنده می‌خرند و همین نکته می‌تواند دلیلی باشد بر اهمیت کار چنین افرادی.

در ایران اما چنین رویه‌ای، نه تنها نیست که اصولاً اعتقادی هم به آن وجود ندارد. ویراستاری در ایران خلاصه می‌شود در اعراب گذاری که گاه در پایان جمع اضداد است. تشخیص اینکه «را» کجا بنشیند هنوز برای نویسندگان ویراستار مشکل است چه برسد به مسائل دیگر. حال اگر بر سر چنین مسووعی توافقی حاصل شود مساله پذیرش نویسنده مطرح می‌شود. مولف، مترجم در این مرحله کار ویراستار را قبول ندارد؛ چرا که معتقد است - گاه حتی با نویسنده یا مترجم است - ویراستار نثر یا لحن نوشتار را تغییر داده و این سبب به اثر لطمه زده است. اما گاه این اتفاق نمی‌افتد و حق با ویراستار است اما خالی از آنکه به هیچ روی زیر بار اشتباهات نمی‌رود و اصطلاحاً مقابل هرکسی که در این باره بر او برد «گارد» می‌گیرد. تجربه نگارنده که در پاره‌ای از موارد مقابل متون اصلی را با ترجمه به درخواست معدود ناشرانی انجام می‌دهد حتی از این هم بدتر است. در متنی ترجمه، نگارنده روی کلماتی مانند «بر روی»، «به سنگام»، «بر علیه» خط کشید، چند جمله بدون فعل را تصحیح کرد و ۳۵ مورد «رای بعد از فعل را در جای درستش قرار داد. در پایان به درخواست ناشر جلسه‌ای

میان ویراستار و مترجم برگزار شد و جالب آنکه مترجم بزرگوار - در آن جلسه یکی از نویسندگان معروف نسل جوان هم حضور داشت - نه تنها زیر بار هیچکدام از آن اشتباهات نرفت که به مترجم گفت: «شما زبان انگلیسی را کجا خوانده‌اید؟» و این جمله نه به فارسی که به انگلیسی از ویراستار که خود نیز مترجم بود پرسیده شد!

دوم) گابریل گارسیا مارکز یا همان گابو یا گابیتو در کتاب «زنده‌ام که روایت کنم» - با ترجمه «اوه بیرعباسی» از ویراستارانش حرف می‌زند. او چنین توضیح می‌دهد (تعارف مضمون): «وظیفه من تراش قالب داستان است. موظف نیستم حواسم به این باشد که فلان کلمه را درست بنویسم یا غلط. این وظیفه ویراستار است و نمونه روان است...» و در همان کتاب می‌نویسد: «... ستونی داشتم در روزنامه به نام «ساحل رافه». قرار بود برای چند روز بروم مسافرت و می‌خواستم چند متن را برای ستون آماده کنم. همین کار را کردم اما آنها را در تاکسی جا گذاشتم. بعد از پنج روز که در روزنامه نوشتیم اگر کسی آن را پیدا کرده بیاورد، یک راننده تاکسی آن را آورد. او تمام اغلاط دیکته‌ای مرا درست کرده بود. من هنوز هم غلط دیکته‌ای دارم.» بد نیست بدانید مارکز، شش ویراستار دارد و یک سر ویراستار اصلی که همه کاره داستان‌های اوست. این سر ویراستار همان

کسی است که بیش از ۸۰ صفحه از رمان صد سال تنهایی را حذف کرده. جای بسی خرسندی است که این کتاب به فارسی برگردان شده. آن را بار دیگر تورق کنید و ببینید می‌توانید به آن رمان شسته رفته حتی یک کلمه اضافه کنید؟

سیم) به نظر، عادت ما ایرانی‌هاست که اگر شیر دهانمان را بسوزاند، به درد فاسد کنیم.

چهارم) این که چرا قاطبه ناشران برای ویرایش یا مقابله (در متون ترجمه) کتاب یا جراید هزینه می‌کنند، خود بحثی مفصل می‌طلبد.